

سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالا و ارز سازمان یافته

امید رستمی غازانی*، محسن رحمانی فرد**

چکیده

با توجه به اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز، قانون گذار در خصوص این بزه رویکرد افتراقی سخت گیرانه اتخاذ نموده است و لیکن در برخی از موارد، در خصوص برخی از مصادیق این بزه رویکرد سخت گیرانه تر اتخاذ شده است که قاچاق سازمان یافته کالا و ارز یکی از این موارد است. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی در صدد شناسایی مفهوم قاچاق سازمان یافته و در ادامه تدابیر اتخاذی توسط قانون گذار برای مقابله با آن و چالش های فراروی مقابله با آن است. قانون گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای اولین بار مفهوم قاچاق سازمان یافته کالا و ارز را وارد ادبیات تقنینی ایران نمود و با هدف پاسخ دهی سخت گیرانه، تدابیر متمایز ماهوی و شکلی را پیش بینی کرد. جرم انگاری مطلق این رفتار، تشدید مجازات اعضای سازمان ده، هدایت کننده و سردسته و نیز دیگر اعضای گروه سازمان یافته، پیش بینی صلاحیت رسیدگی برای دادگاه انقلاب، شناسایی دستگاه های کشف خاص و پیش بینی اختیارات و تکالیف ویژه برای کاشفین از جمله تدابیر افتراقی قانون گذار است. با وجود حجم گسترده قاچاق ارتكابی در کشور به دلایلی چون تفسیر مضیق دیوان عالی کشور از بزه قاچاق کالا و ارز، عدم آشنایی کاشفین با شاخصه ها و معیارهای تشخیص قاچاق سازمان یافته و شتاب زدگی مراجع رسیدگی کننده در رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز، در عمل بسیاری از پرونده های مکشوفه قاچاق به صورت عادی رسیدگی می شوند.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری افتراقی، قاچاق کالا و ارز، جرم سازمان یافته، قاچاق سازمان یافته

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، تهران،
o.rostamighazani@gmail.com (نویسنده مسئول)

** قاضی دادگستری، دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران
mohsenrahmanifard@gmail.com

مقدمه

امروزه اهمیت جرایم سازمان‌یافته به‌گونه‌ای است که این پدیده نه‌تنها چالشی برای سیاست جنایی کشورها که حتی بعضاً چالشی برای مشروعیت دولت‌ها تلقی می‌شود (رضوی‌فرد، ۱۳۹۶: ۲۸۱). جرایم سازمان‌یافته به علل گوناگون و از جمله عدم توازن میان امکانات بازدارنده و امکانات مجرمان سازمان‌یافته، گسترش موضوعات مجرمانه، بالا بودن درآمد فعالیت‌های مجرمانه و پایین بودن هزینه ارتکاب این فعالیت‌ها، خلأهای قانونی و عدم انطباق قوانین سنتی با این جرایم در حال گسترش هستند (خالقی و اختری، ۱۳۹۳: ۳۴). مقابله با جرایم سازمان‌یافته یکی از چالش‌های عمده قرن بیست‌ویکم بوده و از این‌رو نظام حقوق کیفری کشورها نیز می‌بایست همگام با تحولات سریع در شگردهای ارتکاب جرایم سازمان‌یافته، نسبت به ترسیم یک سیاست کیفری «جامع» و «افتراقی» برای مقابله با این جرایم اقدام نماید (باوی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۹؛ امیری و محمدیان، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

به باور اکثر دست‌اندرکاران مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بخش عمده‌ای از قاچاق وارداتی یا صادراتی به شیوه سازمان‌یافته انجام می‌پذیرد (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۳۲۶). در وضعیت موجود حاکم بر اقتصاد ایران، پدیده قاچاق توسط باندها و گروه‌های سازمان‌یافته به‌عنوان یک معضل و بیماری جدی بر پیکره اقتصاد ملی سایه افکننده و حیات و نظم ارگانیک کشور را در ابعاد مختلف مختل کرده است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۰) و مقادیر زیادی از سرمایه انسانی و مالی کشور صرف مبارزه با این پدیده می‌شود (رضایی، ۱۳۹۸: ۷۵). اگرچه در مورد تعداد باندهای قاچاق کالا در مناطق مختلف آمار و اطلاعات دقیق وجود ندارد، اما می‌توان گفت که درآمد بالای باندها، سبب شده است که افراد گوناگونی از طیف‌های مختلف اعم از کارکنان دولت، رانندگان، واردکنندگان و صادرکنندگان، اصناف و... به سمت عضویت و همکاری با این باندها سوق پیدا نمایند (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۸).

اهمیت موضوع ارتکاب سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز به حدی است که مقام معظم رهبری بارها بر ضرورت اولویت‌دهی مقابله با قاچاق سازمان‌یافته تأکید نموده‌اند. «مبارزه جدی با قاچاق... بسیار مهم است؛... این شامل آن قاچاق‌های جزئی و شامل این کوله‌برها و مانند این‌ها نیست؛ ما باندهای قاچاق و کارهای بزرگ [را می‌گوییم]، اینهایی که بازار کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»^۱ همچنین ایشان در جایی دیگر بیان می‌دارند که «جلوی قاچاق باید گرفته بشود. البته آن کسانی که

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34162>

مسئول مبارزه با قاچاقند، سوراخ دعا را گم نکنند! ما می‌گوییم بروید با باندهای قاچاق مبارزه کنید.»^۱

تشکیل گروه با هدف ارتکاب جرم یکی از عواملی است که می‌تواند با ایجاد هماهنگی در بین مجرمین زمینه موفقیت آن‌ها را افزایش داده و در مقابل کارآمدی عدالت کیفری را به چالش بکشد. متقابلاً قانون‌گذار نیز می‌تواند با شناسایی جرم سازمان یافته و اتخاذ تدابیر متناسب با آن زمینه را برای ارتقای کارآمدی سیاست کیفری فراهم نماید. در همین راستا قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۲ ضمن شناسایی نهاد قاچاق سازمان یافته، درخصوص این جرم تدابیر افتراقی ماهوی و شکلی خاصی را پیش بینی نموده است. لیکن ابهامات موجود در مفهوم قاچاق سازمان یافته از یک سو و سیاست‌های (بعضاً) متعارض حاکم بر بزه قاچاق کالا و ارز سبب بروز چالش‌هایی در رسیدگی به جرم قاچاق سازمان یافته شده است که در ادامه به این موضوعات پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم قاچاق سازمان یافته

همکاری در ارتکاب جرم از طریق معاونت و یا مشارکت در ارتکاب جرم موضوعی است که از گذشته‌های دور در حوزه حقوق کیفری همواره مطرح بوده است و قانون‌گذاران کشورهای مختلف بعضاً با رویکرد سخت‌گیرانه و بعضاً سهل‌گیرانه با آنان برخورد می‌نمودند. لیکن در پرتو مطالعات جرم‌شناختی در کنار نهادهای حقوقی سابق‌الذکر اصطلاحاتی چون «جرم سازمان یافته» و یا «گروه سازمان یافته مجرمانه» نیز وارد ادبیات حقوق کیفری گردید. نخستین بار ادوین ساترلند^۳ در کتاب «اصول جرم‌شناسی»^۴ جرم سازمان یافته را مطرح نمود (معظمی، ۱۳۸۴: ۱۴) با گسترش تبعات جرم سازمان یافته، این مفهوم ابتدا به اسناد بین‌المللی و از این طریق به قوانین دولت‌ها راه یافت. (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۴؛ رضوانی و دریانورد، ۱۳۹۱: ۵۰)

گروه مجرمانه سازمان یافته نهادی برای همکاری در ارتکاب جرم است. در طول زمان مفهوم جرم سازمان یافته بین دو مفهوم متفاوت در نوسان بوده است: نخست، مجموعه‌ای از سازمان‌های غیرقانونی پایدار یا اعضای سازمان‌هایی که به‌نحو سازماندهی شده درگیر جرم می‌باشند و دوم، مجموعه‌ای از جرایم مهم که عمدتاً در راستای کسب منفعت مادی ارتکاب می‌یابند. (Paoli and Beken, 2014: 14) در قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار به مفهوم نخست توجه دارد و اصولاً

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?pid=36091>

۲. از این به بعد در جهت پرهیز از تکرار در هر موردی که واژه قانون بدون ذکر عنوان قانون مورد نظر بکار می‌رود، منظور قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی است.

3. Edwin Hardin Sutherland

4. Principles of Criminology

سازمان یافتگی شیوه ارتکاب است و از لحاظ ماهوی به عناوین مجرمانه خاصی اشاره ندارد، لیکن در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون‌گذار تلفیقی از دو معیار مذکور را برگزیده است.

کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی^۱ در بند الف ماده ۲ خود گروه مجرمانه سازمان یافته را بدین شکل تعریف می‌کند. «گروه مجرمانه سازمان یافته یعنی گروه سازمان یافته متشکل از سه یا چند نفر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و به طور هماهنگ با ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی، فعالیت می‌کند.» قانون‌گذار ایران نیز متعاقباً به موجب تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و بند س ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۲ مفاد این تعریف را با اندکی تغییر وارد نظام حقوقی ایران نمود. بزه قاچاق بر حسب شیوه ارتکاب بر دو نوع عادی (غیرسازمان یافته) و سازمان یافته می‌باشد. البته در ماده ۳۰ قانون، قانون‌گذار قاچاق «انفرادی» را در مقابل قاچاق «سازمان یافته» به کار برده است و لیکن باید توجه داشت که قاچاق غیرسازمان یافته ممکن است به صورت انفرادی و یا با مشارکت و یا معاونت دیگران نیز رخ دهد.

برای صدق عنوان قاچاق سازمان یافته صرف تشکیل گروه سازمان یافته برای ارتکاب قاچاق کفایت نمی‌کند و ضرورت ارتکاب قاچاق توسط اعضای گروه برای تحقق جرم لازم است و صدر مواد ۲۸ و ۲۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز تصریح بر ارتکاب و وقوع قاچاق کالا و ارز جهت تحقق جرم قاچاق سازمان یافته دارد. البته در اینجا باید متذکر گردید که از این گفته اولاً نمی‌توان حکم به مقید بودن قاچاق سازمان یافته نمود؛ چراکه ارتکاب قاچاق به عنوان یکی از شرایط تحقق قاچاق سازمان یافته از جهت رفتار می‌باشد و نه نتیجه و با توجه به مصادیق متعدد قاچاق مذکور در ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی و ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حسب مورد این بزه می‌تواند مطلق و یا مقید باشد و ارتکاب هر یک از مصادیق آن (اعم از مطلق یا مقید) در کنار دیگر شرایط

^۱ - The United Nations Convention against Transnational Organized Crime (The Palermo Convention) 2000

لازم به ذکر است که دولت ایران این کنوانسیون را امضاء کرده ولی تا به اکنون به آن ملحق نشده است.

^۲ - بند س ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «قاچاق سازمان یافته: جرمی است که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت می‌گیرد.» البته باید توجه داشت که هر چند در صدر تعریف به «جرم» اشاره شده است و لیکن با توجه معرّف که قاچاق سازمان یافته می‌باشد، این عبارت را باید حمل بر بزه قاچاق نمود.

مقرر در قانون برای قاچاق سازمان یافته، برای تحقق جرم کفایت می‌کند و ثانیاً برخی ارتکاب قاچاق کالا و ارز سازمان یافته را جرمی مرکب دانسته‌اند که از دو رفتار تشکیل دادن گروه مجرمانه و ارتکاب رفتار قاچاق تشکیل شده است. (ثالث مؤید و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۴؛ میرمحمدصادقی و عدومی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۲) این دیدگاه محل نقد جدی است؛ چراکه سازمان‌یافتگی شیوه ارتکاب (و نه رفتار مرتکب) است. همچنین برای تحقق قاچاق سازمان یافته تعدد رفتارهای قاچاق ارتکابی شرط نیست و با ارتکاب یک رفتار نیز امکان صدق قاچاق سازمان یافته وجود دارد.

با توجه به تعریف ارائه شده در بند س ماده ۱ قانون برای تحقق عنوان قاچاق سازمان یافته وجود شرایط زیر ضروری است:

اولاً قاچاق توسط گروهی از افراد حقیقی که حداقل سه نفر باشند ارتکاب یابد. با توجه به استفاده قانون‌گذار از واژه «نفر» در صورت توجه مسؤلیت کیفری بزه قاچاق به شخص حقوقی به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، این شخص در محاسبه تعداد ملاک نخواهد بود. البته نقشی که هر یک از افراد در ارتکاب قاچاق ایفا می‌کنند ممکن است در قالب معاونت و یا مشارکت و یا تلفیقی از هر دو باشد.

ثانیاً قاچاق می‌بایست توسط گروه مجرمانه دارای انسجام نسبی صورت گیرد. آن گونه که حقوق‌دانان بیان داشته‌اند مفهوم «نسبتاً منسجم» دارای ابهام است. (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۲۲۷ و توجهی، ۱۳۹۶: ۱۹۰) گروه نسبتاً منسجم ممکن است، در قالب یک شخص حقوقی (به خصوص شرکت تجاری) تجلی پیدا کند و لیکن ضرورتی به این امر وجود ندارد. به نظر می‌آید که در راستای تبیین گروه نسبتاً منسجم بتوان از مفهوم «گروه تشکل یافته»^۱ مذکور در بند پ ماده ۲ کنوانسیون پالمو بهره برد. به موجب این تعریف «گروه تشکل یافته به گروهی اطلاق می‌شود که برای ارتکاب فوری جرم به طور تصادفی تشکیل نشده باشد و [در عین حال] لزومی ندارد که دارای نقش‌های تعریف شده رسمی برای اعضای خود یا استمرار عضویت اعضای خود یا ساختار توسعه یافته باشد.» عناصر این تعریف جنبه سلبی دارد: تصادفی تشکیل نشده باشد، لازم نیست نقش اعضای گروه به طور رسمی تعریف شده باشد و لازم نیست عضویت اعضا جنبه دائمی و مستمر داشته باشد. (حبیبی مجنده، ۱۳۹۸: ۲۳ و ۲۴) در بیشتر تعاریف جرم سازمان یافته، از جمله کنوانسیون پالمو، استمرار فعالیت مجرمانه به عنوان مقوم جرم سازمان یافته آمده است، (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳) لیکن در تعاریف ارائه شده در نظام حقوقی ایران و از جمله تعریف قاچاق سازمان یافته چنین

شرطی لازم نیست.

ثالثاً برای صدق عنوان قاچاق سازمان یافته ضروری است که ایجاد گروه با هدف ارتکاب قاچاق بوده و یا اینکه پس از تشکیل گروه، هدف آن به سمت ارتکاب جرم قاچاق منحرف شود. البته ضرورتی ندارد که هدف و یا انگیزه انحصاری گروه محدود در قاچاق کالا و ارز باشد، بلکه ممکن است گروه انگیزه ارتکاب جرایم دیگر و یا رفتارهای مشروع را نیز داشته باشد، نکته مهم آن است که ارتکاب قاچاق به عنوان یک انگیزه مؤثر در تشکیل و یا استمرار حیات گروه باشد.

رابعاً قاچاق می بایست توسط گروه مجرمانه صورت گیرد. با توجه به عبارت پردازی های قانون گذار در تعریف قاچاق سازمان یافته، قانون گذار در صورتی قاچاق را سازمان یافته می داند که جرم «... توسط گروه نسبتاً منسجم... صورت...» گیرد. در اینجا قانون گذار به مانند ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص انتساب بزه قاچاق به شخص حقوقی که بیان می دارد «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد...»، جرم را منتسب به گروه می داند. لیکن با این تفاوت که در خصوص انتساب بزه قاچاق کالا و ارز به اشخاص حقوقی هر چند ماده ۶۷ به شرایط انتساب اشاره ندارد و لیکن با رجوع به عموماً، می توان شرایط مقرر در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی را جاری دانست (رستمی غازانی، ۱۳۹۹: ۹۵). لیکن نحوه انتساب جرم قاچاق به گروه سازمان یافته مشخص نیست. در این خصوص یکی از راهکارهای محتمل آن است که با قیاس با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، در صورتی جرم را منتسب به گروه مجرمانه دانست که یکی از اعضای گروه به نام یا در راستای منافع گروه مرتکب بزه قاچاق کالا و یا ارز شود. معیار دیگری که به نظر معیار بهتری است، آن است که با توجه به معیار ارائه شده در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات سردسته گروه مجرمانه، می بایست اولاً بزه قاچاق توسط یکی از اعضای گروه واقع شده و ثانیاً ارتکاب قاچاق باید در راستای اهداف گروه باشد و در چنین حالتی می توان گفت که قاچاق توسط گروه سازمان یافته ارتکاب یافته است.

خامساً علاوه بر اینکه بزه قاچاق باید توسط یک گروه نسبتاً منسجم واقع شود، ارتکاب آن می بایست توأم با «برنامه ریزی»، «هدایت» و «تقسیم کار» گروهی باشد و از این رو اگر یکی از اعضای گروه در خارج از چهارچوب برنامه ریزی، هدایت و تقسیم کار گروهی مرتکب بزه قاچاق شود، مورد مشمول قاچاق سازمان یافته نخواهد بود و همچنین اگر شخصی به تنهایی برنامه ریزی و هدایت ارتکاب بزه قاچاق را بر عهده داشته باشد و در راستای دستیابی به هدف خود از کمک و مساعدت (آگاهانه و یا ناآگاهانه) دیگران نیز بهره برد؛ مانند آنکه شخص الف چند نفر را اجیر نماید که در قالب کولبر کالا را از مسیر غیرمجاز وارد قلمرو گمرکی نموده و آنگاه راننده ای را اجیر نماید

که این کالاها را به یکی از شهرهای مرکزی ایران انتقال داده و در نهایت این کالاها در فروشگاه متعلق به شخص الف برای خرید عموم عرضه شود، در اینجا هرچند اشخاص متعددی در ارتکاب بزه قاچاق آن هم بر اساس یک برنامه، هدایت و تقسیم کار فعالیت می‌کنند و لیکن «برنامه‌ریزی»، «هدایت» و «تقسیم کار» منتسب به شخص الف (و نه یک گروه نسبتاً منسجم) است.

۲. تدابیر افتراقی مقابله با قاچاق کالا و ارز سازمان یافته

در راستای مقابله با قاچاق سازمان یافته قانون‌گذار تدابیر افتراقی را از حیث ماهوی و شکلی برای این بزه پیش‌بینی نموده است. از حیث سیاست کیفری ماهوی قانون‌گذار در وهله نخست، مطلق قاچاق سازمان یافته را (صرف نظر از نوع کالا و یا ارز و میزان آن) جرم تلقی نموده است و در وهله دوم مجازات شدیدتری را برای قاچاق کالا و ارز سازمان یافته پیش‌بینی نموده است. از حیث سیاست کیفری شکلی نیز پیش‌بینی صلاحیت رسیدگی به جرم در دادگاه انقلاب (ماده ۴۴ قانون)، پیش‌بینی صلاحیت برای ضابطین و کاشفین ویژه (ماده ۳۹ قانون)، پیش‌بینی تکالیف ویژه برای ضابطین و مراجع رسیدگی کننده (مواد ۳۸ و ۴۸ قانون) از جمله تدابیر خاص مقابله با قاچاق سازمان یافته است.

۲-۱. جرم‌انگاری قاچاق سازمان یافته

قانون‌گذار در ماده ۴۴ قانون اقدام به تفکیک مصادیق جرم و تخلف قاچاق از یکدیگر نموده و قاچاق را در پنج حالت مشمول عنوان جرم می‌داند که یکی از این موارد قاچاق کالا و ارز سازمان یافته است. ضرورت تفکیک جرم از تخلف در مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۲۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ پیش‌بینی شده بود که به موجب آن، «رؤسای قوای مجریه و قضائیه ظرف مدت حداکثر یک سال، لایحه‌ای را برای تعیین تکلیف تعزیرات حکومتی با تفکیک جرایم از تخلفات تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند.» هرچند تکلیف مذکور تا به اکنون عملیاتی نشده است، لیکن تفکیک جرم از تخلف در ماده ۴۴ مذکور را می‌توان اقدامی در این راستا تبیین نمود.

بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای جرم‌زدایی و قضازدایی سبب شده است که در خصوص بزه قاچاق اصل بر تخلف بودن آن باشد و قاچاق به‌عنوان یک رفتار مجرمانه نیاز به توجیه داشته باشد و سازمان‌یافتگی می‌تواند توجیه مناسبی برای این موضوع باشد. بر این اساس مطلق موارد قاچاق سازمان یافته، صرف نظر از نوع کالای موضوع قاچاق (کالای ممنوع، کالای مجاز مشروط، کالای یارانه‌ای، کالای مجاز و یا ارز) و ارزش آن جرم تلقی می‌شود. البته در اینجا لازم به ذکر است که هرچند در ماده ۴۴، مصادیق جرم و تخلف قاچاق از یکدیگر تفکیک شده است و لیکن جز در موارد استثنایی (مانند صلاحیت مرجع رسیدگی کننده و نوع و میزان مجازات‌ها) تفاوت خاصی بین این دو

وجود ندارد و اصولاً قانون‌گذار احکام تخلف قاچاق را به مانند جرم قاچاق دانسته و این رویکرد قانون‌گذار محل نقد جدی است که به جهت عدم ارتباط با موضوع این مقاله از توضیح بیشتر آن اجتناب می‌شود.

۲-۲. تشدید مجازات قاچاق سازمان‌یافته

سازمان‌یافتگی در حقوق کیفری بعضاً به‌عنوان کیفیت مشدده جرم و گاه به‌عنوان یک جرم مستقل محسوب می‌شود. در خصوص حالت نخست می‌توان به ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی که ارتکاب جرم توسط گروه مجرمانه سازمان‌یافته را سبب تشدید مجازات (البته صرفاً) در خصوص فرد سردرسته گروه و یا ماده ۱۴ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز که ارتکاب جرم به‌صورت سازمان‌یافته را سبب تشدید مجازات مرتکبین دانسته است، اشاره نمود. در خصوص حالت اخیر نیز می‌توان به جرم موضوع بند الف ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان مبنی بر تشکیل یا اداره دسته یا گروه به‌منظور ارتکاب رفتارهای موضوع ماده ۱ قانون مذکور اشاره نمود.

در خصوص جرم قاچاق سازمان‌یافته برخی بر این نظر هستند که قانون‌گذار سازمان‌یافتگی را نه به‌عنوان یک عامل مشدده برای بزه قاچاق، بلکه به‌عنوان یک جرم مستقل شناسایی کرده است. (رحمانی فرد، ۱۳۹۷: ۱۳۳؛ میرمحمدصادقی و عدومی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۹؛ ثالث مؤید و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۷) پذیرش این دیدگاه با نصوص متعدد مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مانند مواد ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۴۴ و ۴۸) که قاچاق کالا و ارز را به‌عنوان نوع خاصی از بزه قاچاق مطرح می‌کنند در تعارض است و علاوه بر این قائل شدن هویت مستقل برای جرم قاچاق سازمان‌یافته سبب می‌شود که احکام مختصه بزه قاچاق کالا و ارز که عمدتاً با رویکرد افتراقی سخت‌گیرانه وضع شده است، بر جرم قاچاق سازمان‌یافته حاکم نباشد و این جرم برخلاف دیگر مصادیق قاچاق مشمول عموماً سیاست کیفری باشد که قطعاً این امر مطلوب و مراد قانون‌گذار نیست؛ چراکه به قیاس اولویت قاچاق سازمان‌یافته باید تابع سیاست کیفری افتراقی سخت‌گیرانه باشد.

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشدید مجازات از یک‌سو ناظر به هر یک از اعضای گروه سازمان‌یافته و از سوی دیگر ناظر به اشخاصی است که نقش سازماندهی، هدایت و سردستگی را بر عهده دارند. بر این اساس در خصوص قاچاق سازمان‌یافته کالای ممنوع مرتکب علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۲۲ قانون، حسب ارزش کالای موضوع قاچاق به «نود و یک روز تا شش ماه حبس»، «بیش از شش ماه تا دو سال حبس» و یا به «حداکثر مجازات حبس مندرج در بندهای پ و ت ماده ۲۲» محکومی می‌شود. بر این اساس در حالی که در مورد کالاهای ممنوع تا ده میلیون ریال اصولاً

(به استثنای تبصره ۱ ماده ۲۲ در خصوص مشروبات الکلی) مجازات حبس برای آن پیش بینی نشده است، در صورت ارتکاب به نحو سازمان یافته، مجازات حبس نیز لحاظ شده است و در صورتی که ارزش کالای قاچاق ممنوع بیش از ده میلیون ریال باشد، حسب مورد مرتکب به حداکثر مجازات حبس مقرر در بندهای پ و ت (یعنی دو و یا پنج سال حبس) محکوم می شود.

در مورد قاچاق کالاهای غیر ممنوع (کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه ای و یا ارز) در صورت ارتکاب به نحو سازمان یافته مورد مشمول ماده ۲۹ قانون می شود. در خصوص قاچاق این کالاها قانون گذار اصولاً از مجازات حبس بهره نگرفته و اکتفا به ضبط کالا و ارز موضوع قاچاق و جریمه نقدی نسبی نموده است و لیکن به موجب حکم ماده مذکور مرتکب علاوه بر مجازات های مقرر در ماده ۱۸ قانون، حسب ارزش کالا و یا ارز موضوع قاچاق به «نود و یک روز تا شش ماه حبس»، «بیش از شش ماه تا دو سال حبس»، «دو سال تا پنج سال حبس» و یا «پنج سال حبس» محکوم می شود. ابهامی که در مقایسه مواد ۲۸ و ۲۹ مطرح می شود آن است که در برخی از موارد قانون گذار مجازات قاچاق کالاهای غیر ممنوع را تابع مجازات مقرر برای قاچاق کالای ممنوع دانسته است (مانند مواد ۲۵، ۲۶ و برخی از موارد مذکور در ماده ۲۷ قانون) سؤالی که در این خصوص مطرح می شود آن است که ارتکاب این موارد به نحو سازمان یافته تابع کدام یک از مواد ۲۸ و ۲۹ قانون می شود؟^۱ در این خصوص یک دیدگاه می تواند این باشد که در خصوص ارتکاب این موارد به نحو سازمان یافته خلأ قانونی وجود دارد و در نتیجه ارتکاب آن ها به نحو سازمان یافته موجب تشدید نمی شود، لیکن اشکال این دیدگاه در این است که قانون گذار برای موارد اخف از این موارد ارتکاب به نحو سازمان یافته را پیش بینی نموده و مجازات را تشدید نموده است و به قیاس اولویت در خصوص این موارد امکان تشدید وجود دارد. دیدگاه دیگر می تواند این باشد که با توجه به ماهیت غیر ممنوع این کالاها، ظاهر ماده ۲۹ و تفسیر به نفع مرتکب، شخص به موجب ماده ۱۸ (و نه ۲۲) و ۲۹ مجازات شود.

یکی دیگر از ابهامات موجود در خصوص مواد ۲۸ و ۲۹ آن است که آیا تشدید مجازات صرفاً

۱. البته در این خصوص برخی بر این نظر می باشند که این موارد اساساً ممنوع بوده و در نتیجه تابع احکام مقرر برای قاچاق کالای ممنوع هستند. در صورت پذیرش این دیدگاه که البته برخلاف ظاهر مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون می باشد، حداقل در خصوص موضوع بحث حاضر ابهام برطرف شده و حالت ارتکاب به نحو سازمان یافته موضوع مشمول ماده ۲۸ می شود. اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۴/۱۹۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۲ مطلق بزه های مقرر در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به جهت ممنوع بودن در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است.

ناظر به عضویت است که خود شخصاً مرتکب رفتار قاچاق بشود و یا تشدید در خصوص دیگر اعضای گروه سازمان یافته نیز می شود؟ در مواد ۲۸ و ۲۹، قانون گذار از واژه «مرتکب» استفاده کرده و ظهور این واژه بر مرتکب قاچاق دارد و برخی بر این اساس بیان داشته اند که چه بسا ممکن است تنها یک نفر (مرتکب) به مجازات های موضوع این مواد محکوم شود (ثالث مؤید و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۸)، لیکن می بایست مرتکب را شخصی دانست که عضو گروه سازمان یافته ای شده که گروه مرتکب قاچاق سازمان یافته شده است و بر اساس این برداشت هر عضو گروه صرف نظر از نقشی که در ارتکاب رفتار قاچاق دارد (فاعل، شریک و یا معاون) مرتکب محسوب می شود. لیکن در خصوص کسانی که در ارتکاب قاچاق سازمان یافته، نقش سازماندهی، هدایت و یا سردستگی دارند، قانون گذار در تبصره مواد ۲۸ و ۲۹ قانون، رویکرد سخت گیرانه تری را اتخاذ نموده و بر حسب نوع کالا و ارزش آن حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در بندهای الف و ب مواد مذکور را در خصوص آن ها مقرر کرده است. این سیاست با توجه به ناتوانی و ناکارآمدی ترتیبات سنتی حقوق جزا در اثبات مسئولیت کیفری اعضا و به ویژه رهبران گروه و اعمال مجازات های مقتضی نسبت به آن ها (بیابانی، ۱۳۸۷: ۶۹)، می تواند سیاستی درست و منطقی باشد.

در ماده ۲۹ که در خصوص کالای غیر ممنوع است، قانون گذار تصریح می نماید مرتکب به مجازات های مقرر در ماده ۱۸ محکوم می شود که این مجازات ها در وهله نخست جریمه نقدی نسبی است که بر حسب نوع کالا و رفتار مرتکب میزان آن متفاوت است و قانون گذار در عمده موارد میزان آن را در قالب حداقل و حداکثر پیش بینی نموده است که اختیار دادگاه در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر در خصوص قاچاق سازمان یافته نیز به قوت خود باقی است. ضمانت اجرای دیگر پیش بینی شده در صدر ماده ۱۸ ضبط کالا و ارزش موضوع قاچاق است و استفاده قانون گذار از عبارت «مجازات های موضوع ماده ۱۸» از این جهت می باشد. در ماده ۲۸ قانون گذار در خصوص کالای ممنوع به «جزای نقدی مندرج در ماده ۲۲» اشاره می کند که در اینجا نیز اختیار مرجع رسیدگی کننده در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر مندرج در ماده ۲۲ به قوت خود باقی است و لیکن اشکالی که در اینجا وجود دارد آن است که قانون گذار به ضبط کالای ممنوع اشاره نمی کند که این ناشی از سهو در بیان قانون گذار است؛ چراکه در صورتی ارتکاب قاچاق کالای ممنوع به نحو سازمان یافته موجب ضبط کالا می شود و همچنین در صورتی ارتکاب قاچاق کالای غیر ممنوع به نحو سازمان یافته نیز موجب ضبط کالا می شود، به قیاس اولویت در خصوص کالای ممنوع موضوع قاچاق سازمان یافته باید حکم ضبط جاری شود. علاوه بر این، اجرای احکام عمومی مقرر در ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به نتیجه تقریباً مشابهی می انجامد.

در مواردی نیز که به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بزه قاچاق ارتكابی منتسب به شخص حقوقی است، قانون‌گذار در خصوص قاچاق سازمان یافته رویکرد افتراقی پیش‌بینی نموده است. به موجب ماده ۶۷ قانون، شخص حقوقی علاوه بر جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر حداکثر جریمه نقدی مقرر برای شخص حقیقی، به مجازات انحلال محکوم می‌شود و این مجازات در همان مرتبه اول ارتكاب قاچاق توسط اشخاص حقوقی و صرف نظر از موضوع قاچاق و ارزش آن قابل اعمال است.

۳-۲. ضوابط خاص در اعمال نهادهای ارفاقی

پیش از این به موجب ماده ۷۱ قانون، جزای نقدی در مطلق بزه قاچاق (اعم از سازمان یافته و غیر آن) قابلیت تخفیف و تعلیق را نداشت. مجازات حبس و شلاق نیز در قاچاق سازمان یافته (و همچنین در قاچاق کالاهای ممنوعه و قاچاق حرفه‌ای) قابل تعلیق نبود و بر اساس مفهوم مخالف ماده مذکور، دیگر مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول استثنائات و محدودیت‌های مقرر برای تخفیف و تعلیق مجازات نبوده و مطابق عمومات قابلیت تخفیف و یا تعلیق را داشت. لیکن با توجه به ماده ۶۳ اصلاحی سال ۱۴۰۰، در شرایط کنونی در تمامی موارد قاچاق (اعم قاچاق سازمان یافته و غیر آن) امکان تعلیق اجرای مجازات (و دیگر نهادهای ارفاقی مانند تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، مرور زمان، توبه و بایگانی کردن پرونده) وجود ندارد. با توجه به عدم اشاره ماده ۶۳ اصلاحی به موضوع تخفیف مجازات، ضوابط مقرر در مواد ۷۱ و ۷۲ قانون در خصوص تخفیف مجازات به قوت خود باقی است. بر این اساس جزای نقدی به صورت مطلق قابلیت تخفیف را ندارد، استثنایی که در این خصوص وجود دارد موارد مقرر در ماده ۷۲ قانون است. یکی از موارد استثنای مذکور به موجب این ماده حالتی است که شخص مرتکب قاچاق، در مراحل تحقیقات مقدماتی، با اقرار خود موجبات دستگیری سرشبه‌های قاچاق را فراهم می‌کند، که در این صورت بنا به تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده، ضمن ضبط کالا و یا ارز قاچاق، مرتکب از مجازات‌های مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز معاف و یا اینکه در مجازات او تخفیف متناسب داده می‌شود. اشاره ماده ۷۲ به «سرشبه‌های قاچاق» را می‌توان از تدابیر خاص قانون‌گذار به منظور جلب همکاری اعضای گروه سازمان یافته مرتکب قاچاق، در جهت کشف و اثبات این جرم دانست.

۴-۲. صلاحیت دادگاه انقلاب

به موجب ماده ۴۴ قانون «رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا

و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است...» آنچه از این ماده برمی‌آید آن است که قاچاق کالا و ارز ابتدائاً تخلف و در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است (اجتهادی و صفاری، ۱۳۹۶: ۱۹) و لیکن صدق یکی از عناوین پنج‌گانه مذکور در ماده ۴۴ سبب صدق عنوان جرم بر رفتار مرتکب و به تبع آن ایجاد صلاحیت رسیدگی برای دادگاه انقلاب به‌عنوان یک مرجع اختصاصی می‌شود. بر این اساس پیش‌بینی صلاحیت دادگاه انقلاب برای رسیدگی به قاچاق سازمان‌یافته کالا و ارز از دو سو متمایز می‌باشد. از یک سو صلاحیت عام شعب تعزیرات حکومتی در رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز و از سوی دیگر صلاحیت عام مراجع عمومی دادگستری (دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲) در رسیدگی به جرایم با تخصیص مواجه شده است.

۲-۵. پیش‌بینی وزارت اطلاعات به‌عنوان دستگاه کاشف

به‌موجب ماده ۳۹ قانون «وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظفند با هماهنگی مرجع ذی‌صلاح قضایی، خود یا بنا بر اعلام دستگاه کاشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آن‌ها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند.» به استناد ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری امکان شناسایی وزارت اطلاعات به‌عنوان ضابط خاص وجود دارد، لیکن نکته مهم آن است که خود این ماده مأموران وزارت اطلاعات را در زمره ضابطان خاص قرار نمی‌دهد، بلکه این امر را موکول به پیش‌بینی اختیار ضابطان برای آن‌ها در قوانین دیگر می‌نماید. در ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۸ نیز اجمالاً به ضابط تلقی شدن وزارت اطلاعات تصریح شده است. بر این اساس برخی بر این نظر هستند که به‌موجب ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختیارات ضابطان به مأموران وزارت اطلاعات محول شده است (فتحی و امیر حاجیلو، ۱۳۹۷: ۳۸۳) و این امر راهبردی افتراقی در مواجهه با قاچاق سازمان‌یافته است.

لیکن می‌بایست توجه داشت که مستندی برای ضابط تلقی شدن مأموران وزارت اطلاعات در مواجهه با قاچاق سازمان‌یافته وجود ندارد و یکی از مهم‌ترین قوانینی که در این زمینه وجود داشت، تکلیف مقرر برای وزارت اطلاعات به‌موجب ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) بوده است که به‌موجب آن وزارت اطلاعات موظف بود «... اقدامات زیر را انجام دهد: ... ب - پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، ... در مقام ضابط دادگستری...» بر این اساس وزارت اطلاعات در چهارچوب این ماده در برخی از مصادیق قاچاق کالا و ارز نیز می‌توانست به‌عنوان ضابط عمل نماید و در این موارد از اختیارات ضابطان دادگستری

نیز برخوردار بوده است. لیکن با انقضای مهلت اجرای این قانون و اجرایی شدن قانون برنامه ششم، مستند سابق الذکر در شرایط کنونی فاقد اعتبار است. بنابراین در اجرای ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مأموران وزارت اطلاعات را نمی توان ضابط تلقی نمود و لیکن در حدود قلمرو ماده که ناظر به قاچاق سازمان یافته است با توجه به اینکه یکی از وظایف وزارت اطلاعات شناسایی گروه های سازمان یافته قاچاق کالا و ارز می باشد، با توجه به شمول تعریف «دستگاه کاشف» مقرر در بند ص ماده ۱ قانون، می توان این وزارتخانه را در حدود قاچاق سازمان یافته دستگاه کاشف دانست، بی آنکه ضابط باشد. نتیجه این استدلال آن است که اولاً وزارت اطلاعات را نیز باید در کنار دستگاه های کاشف مذکور در ماده ۳۶ قانون جزو دستگاه های کاشف تلقی نمود و به بیان دیگر، مصادیق دستگاه های کاشف را نباید منحصر در مصادیق مذکور در ماده ۳۶ قانون دانست و ثانیاً به استثنای اختیارات مقرر در ماده ۳۹ نمی توان اختیار دیگری برای مأموران وزارت اطلاعات در مواجهه با قاچاق سازمان یافته قائل بود که این اختیارات شامل «شناسایی گروه های سازمان یافته قاچاق کالا و ارز»، «شناسایی دارایی های این گروه ها» و «تشکیل پرونده» و «تکمیل تحقیقات» می باشد. بر این اساس برخی از اختیارات مختص ضابطان مانند اختیار دستگیری متهم در جرایم مشهود، برای مأموران وزارت اطلاعات متصور نیست و آن گونه که تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مقرر می دارد «در مواردی که دستگاه های کاشف فاقد اختیارات ضابطین دادگستری باشند، موظفند پس از کشف بلافاصله با تنظیم صورت جلسه کشف موضوع را جهت اقدام قانونی به ضابطین یا مراجع ذی صلاح اطلاع دهند.» البته با توجه به میزان اختیار مقرر در ماده ۳۹ قانون برای وزارت اطلاعات، نقش این وزارتخانه بیش از اختیار مقرر برای دیگر دستگاه های کاشف است.

۲-۶. پیش بینی اختیارات و تکالیف ویژه برای ضابطان و کاشفان

به جهت پیچیدگی جرایم سازمان یافته، کشف این جرایم به اختیارات ویژه نیاز دارد. بر این اساس به موجب ماده ۳۸ قانون هر گاه در زمان کشف جرم قاچاق، دستگاه کاشف یا دستگاه اجرایی مأمور وصول درآمدهای دولت بر مبنای قرائن و امارات موجود احراز نمایند یا احتمال قوی دهند که جرم قاچاق به نحو سازمان یافته واقع شده است، مکلفند این موضوع را با ذکر قرائن و امارات مزبور برای انجام اقدامات قانونی به مقام قضایی اعلام نمایند. بنابراین با توجه به صلاحیت رسیدگی دادگاه انقلاب برای رسیدگی به قاچاق سازمان یافته دستگاه های کاشف می بایست پرونده را برای رسیدگی به دادرسی مربوطه (و نه تعزیرات حکومتی) ارسال نمایند و البته بدیهی است که مرجع قضایی تکلیفی به تبعیت از دیدگاه دستگاه کاشف نداشته و پس از بررسی، ممکن است قرار عدم صلاحیت به شایستگی شعب تعزیرات حکومتی صادر نماید.

البته ضروری است که در مرحله کشف جرم، معیارها و شاخص‌هایی تبیین شود تا سازمان کاشف در صورت روبه‌رو شدن با این معیارها، توان خود را برای تشکیل یک پرونده قاچاق سازمان‌یافته متمرکز کند. در این راستا در ماده ۳۸ قانون از باب تمثیل «وسایل و تجهیزات مورد استفاده در ارتکاب جرم» و «حجم و یا ارزش کالای مکشوفه» به‌عنوان اماره‌ای برای احراز قاچاق سازمان‌یافته مطرح شده است. شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۱۰۰۳۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۳ قرائنی از قبیل کمیت کالای مکشوفه، نوع کالا، محل پنهان کردن و نگهداری کالا و تعلق کالاها به ۳ الی ۴ نفر را موجب صدق قاچاق سازمان‌یافته دانسته و در نتیجه قرار عدم صلاحیت صادره از سوی داسرا به شایستگی تعزیرات حکومتی را رد نمود.^۱ علاوه بر این مواردی مانند وضعیت فردی که کالای قاچاق نزد وی کشف شده است و چگونگی ارتباط‌گیری فرد حامل کالای قاچاق با سایر افراد بر اساس نوع تجهیزات می‌تواند مد نظر قرار گیرد. (کلاه مال همدانی، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

یکی دیگر از تدابیر افتراقی در حوزه قاچاق سازمان‌یافته به‌موجب ماده ۴۸ قانون پیش‌بینی تکلیف شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی است که البته در چند مورد دیگر نیز (قاچاق کالای ممنوع، حرفه‌ای و یا پرونده‌های با ارزش کالای قاچاق مکشوفه بیش از یکصد میلیون ریال) این تکلیف پیش‌بینی شده است. بر این اساس مرجع رسیدگی (در خصوص قاچاق سازمان‌یافته دادسرای عمومی و انقلاب و دادگاه انقلاب) تکلیف به شناسایی و توقیف اموال متهمین در طول رسیدگی دارد و میزان اموال قابل توقیف نیز بسته به نوع کالا و ارزش آن معادل حداکثر جزای نقدی مقرر در قانون است. با توجه به ماهیت پیچیده قاچاق سازمان‌یافته و امکاناتی که گروه سازمان‌یافته برای خنثی نمودن تدابیر کیفری دارد (مانند زندان خواب‌ها)، این مقرر می‌تواند بستری برای افزایش ضریب وصول جزای نقدی در قاچاق سازمان‌یافته باشد.

یکی دیگر از تدابیر افتراقی جرم قاچاق سازمان‌یافته آن است که هرچند به‌موجب تبصره ماده ۵۰ مکرر ۱ قانون آرای برائت صادره از مراجع قضایی در خصوص پرونده‌های با ارزش کمتر از دو میلیارد ریال قطعی بوده و از سوی دادستان، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه کاشف، ضابط، دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت و یا دادستان قابل اعتراض نیست و لیکن در خصوص پرونده‌های قاچاق سازمان‌یافته (و نیز حرفه‌ای، کالای ممنوع، مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی) قابلیت تجدیدنظر خواهی یا اعتراض وجود دارد.

1. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/3778>

در اینجا لازم به ذکر است که به موجب ماده ۵۱ قانون «در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش بینی نشده است، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار می شود.» با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مواردی مانند تبصره ماده ۴۸ (محدودیت در آزادی انتخاب وکیل) و ماده ۱۸۰ (امکان جلب پیش از احضار) مقررات ویژه ای برای جرایم سازمان یافته پیش بینی شده است، این موارد در خصوص قاچاق سازمان یافته کالا و ارز نیز جاری است که موضوع امکان جلب پیش از احضار در قسمت اخیر ماده ۶۳ اصلاحی سال ۱۴۰۰ نیز به صورت خاص تصریح شده است. علاوه بر این به موجب ماده اخیرالذکر در خصوص قاچاق سازمان یافته (و نیز در برخی موارد استثنایی دیگر) امکان صدور قرار بازداشت موقت وجود دارد و این در حالی است که مستنبط از تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون شدیدترین قرار تأمینی قابل اعمال برای اتهام قاچاق در حالت عادی قرار وثیقه است.

۳. چالش های مقابله با قاچاق کالا و ارز سازمان یافته

با وجود حجم گسترده قاچاق ارتكابی^۱ و تدابیر افتراقی پیش بینی شده برای رسیدگی به پرونده های قاچاق سازمان یافته، با این حال در عمل تعداد پرونده هایی که تحت این عنوان رسیدگی می شود، بسیار محدود است و این در حالی است که میزان قاچاق وارداتی و صادراتی به کشور به وضوح حکایت از این دارد که این حجم از قاچاق بدون سازمان یافتگی قابلیت ارتكاب ندارد. در ادامه به اهم چالش های رسیدگی به پرونده های قاچاق سازمان یافته پرداخته می شود.

۳-۱. ابهام در مفهوم قاچاق کالا و ارز

واژه «قاچاق» در نظام حقوقی ایران دارای معانی مختلف است و در کاربردهای متنوع «موسع» و «مضیق» به کار رفته است. قاچاق در مفهوم مضیق، معادل قاچاق گمرکی (یا همان قاچاق کالا و یا ارز) است (الهام و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱) و در مقابل قاچاق غیرگمرکی یا قاچاق کالای ممنوعه است (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). ملاحظه قوانین و مقررات نشان از آن دارد که قلمرو مفهومی شمول قاچاق بسیار متنوع و در عین حال بعضاً بسیار گسترده است، از این رو فهم درست از مفهوم قاچاق در کاربردهای مختلف آن توسط قانون می تواند نقش مهمی در تحلیل درست قوانین و مقررات داشته باشد. قانون گذار در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز اصطلاح «قاچاق کالا و ارز»

۱. به موجب ماده ۱۶ قانون، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز مرجع تخصصی تهیه و ارائه برآوردهای و اطلاعات و آمار قاچاق می باشد که مطابق برآورد این مرجع حجم برآورد قاچاق برای سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ به ترتیب ۲۵، ۱۹/۸، ۱۵/۵، ۱۲/۶ و ۱۲/۹ میلیارد دلار بوده است. (<https://epe.ir/News/18618>)

را تعریف نموده است و لیکن تعارض های موجود در تعریف بر ابهام موجود در تعریف قاچاق کالا و ارزش افزوده است.

برخی بر این نظر می باشند که مطابق تعریف قانونی، عنوان قاچاق کالا و ارزش، صراحتاً و منحصرأً وارد و یا خارج ساختن کالا و ارزش را شامل می شود و بر این اساس با وجود اینکه رفتارهایی مانند حمل و نگهداری کالای قاچاق هم ممکن است به مانند قاچاق مجازات داشته باشند و لیکن احکام قاچاق بر آن ها جاری نخواهد بود (بهره مند بگ نظر، ۱۳۹۶، ۱۵۷ و ۱۵۸؛ اجتهادی، ۱۳۹۶: ۳۰ و ۳۱؛ خالقی، ۱۳۹۷: ۷۷؛ ثروتی بی نیاز و جعفری، ۱۳۹۹: ۴۲). البته در مقابل برخی دیگر بر این نظر هستند که در شرایط فعلی تعریف قاچاق صرفاً ناظر به مبادی ورودی و خروجی و مرزهای جغرافیایی نمی گردد، بلکه نگهداری و توزیع و حمل کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می شود (صفاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱). این ابهام و آثار مهم مترتب بر آن سبب شده است که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در چند مورد سعی در تبیین قلمرو بزه قاچاق کالا و ارزش نماید. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در چند رأی وحدت رویه به این موضوع ورود نمود و تفسیر مضیقی از قاچاق ارائه داد. بر این اساس در رأی وحدت رویه شماره ۷۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۰۵ نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره و در ادامه در رأی وحدت رویه شماره ۸۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۷ نگهداری مشروبات الکلی قاچاق خارج از عنوان قاچاق دانسته شد. توسعه و تبعیت از مفهوم اخص از قاچاق سبب می شد که ارتکاب رفتارهایی مانند حمل، نگهداری، عرضه و فروش کالا و ارزش قاچاق به نحو سازمان یافته از شمول مواد ۲۸ و ۲۹ قانون خارج شود و این امر در تعارض با روح حاکم بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزش در مقابله با بزه قاچاق می باشد. بالاخص که در بحث قاچاق سازمان یافته صرف ورود کالا به کشور غایت مرتکبین نیست و آن ها در نهایت درصدد انتقال این کالاها به دیگران و کسب منفعت مالی از این طریق هستند و از این رو رفتارهایی مانند حمل، نگهداری و... جزو لوازم عرفی واردات غیرقانونی کالا به کشور هستند.

در اصلاحیه سال ۱۴۰۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزش از یک سو در ماده ۶۳ اصلاحی تمامی احکام و قواعد عمومی مربوط به جرایم و تخلفات موضوع این قانون (به جز موارد خاص مقرر) مطابق قانون مجازات اسلامی دانسته شده است و علاوه بر این در تبصره ۵ ماده مذکور بسیاری از احکام، آثار و مجازات های قاچاق در مورد همه جرایم و تخلفات موضوع این قانون (به استثنای یک مورد) لازم الاجرا دانسته شده است و نتیجه این امر آن است که ابهام در خصوص مفهوم قاچاق به قوت خود باقی است و لیکن در عمل چون در بسیاری از موارد احکام قاچاق بر دیگر جرایم و تخلفات مقرر در قانون مذکور جاری است، در نتیجه اصولاً آن ها نیز تابع سیاست کیفری مقرر برای

قاچاق هستند. لیکن در خصوص موضوع بحث حاضر ابهام به قوت خود باقی است؛ چراکه به موجب تبصره ۴ ماده ۶۳ در صورتی که قاچاق به تنهایی، به نحو سازمان یافته ارتکاب یافته باشد، وفق مواد ۲۸ و ۲۹ این قانون عمل می‌شود و لیکن در صورتی که دیگر جرایم یا تخلفات موضوع این قانون به تنهایی و یا با در نظر گرفتن دیگر جرایم یا تخلفات این قانون (و از جمله بزه قاچاق) به نحو سازمان یافته ارتکاب یافته باشد، هر یک از اعضای گروه سازمان یافته به حداکثر مجازات مقرر برای رفتار ارتكابی خود محکوم می‌شوند و در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد. با توجه به تفاوت مجازات‌های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹ با مجازات‌های مقرر در تبصره ۴ ماده ۶۳ برای ارتکاب جرم یا تخلف در حالت سازمان یافته، بسته به اینکه رفتارهایی مانند حمل، نگهداری، عرضه و فروش کالا و یا ارز قاچاق مشمول عنوان قاچاق دانسته شود یا نه، مستند قانونی آن متفاوت خواهد بود.

۲-۳. شتاب‌زدگی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق

جرایم اقتصادی از جمله جرایم پیچیده و حساس بوده و تعیین تکلیف پیرامون آن‌ها نیاز به دقت و تیزبینی دارد؛ از این رو، در رسیدگی به این پرونده‌ها، از یک سو رسیدگی فوری قابل توجیه نیست، در همان حال، طولانی بودن رسیدگی که اقتضای یک رسیدگی عادلانه و دقیق است، خود فرصتی را برای انواع اقدامات نفوذگرانه از سوی مرتکبان جرایم اقتصادی فراهم می‌کند (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۲۵۶). یکی از موضوعات بسیار مورد تأکید قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز سرعت در رسیدگی و صدور حکم است. برخی از تکالیف مرتبط با اصل لزوم سرعت در رسیدگی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عبارتند از: تعیین مهلت یک ماهه برای صدور رأی نهایی (ماده ۴۵)، تعیین مهلت یک ماهه برای صدور رأی غیابی در پرونده‌های بی‌صاحب و صاحب متواری (ماده ۴۳)، عدول از صلاحیت ذاتی (قسمت انتهایی ماده ۴۴)، استثنای صریح پرونده‌های قاچاق از اعمال تکلیف موضوع ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی (تبصره ماده ۴۴) و عدم امکان پذیرش اعتراض و رسیدگی به آرای صادره از شعب تعزیرات در مراجع قضایی و دیوان عدالت اداری (تبصره ۲ ماده ۵۰).

به موجب ماده ۴۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آن‌ها ظرف یک ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگی و رأی نهایی را صادر کنند، مگر مواردی که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگی کننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش

موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه می‌گردد.» این ماده متضمن دو تکلیف است: تکلیف نخست ناظر به رسیدگی و صدور رأی در مهلت یک ماه می‌باشد. در این ماده منظور از صدور رأی نهایی، صدور رأی مقتضی نهایی در همان مرحله از دادرسی است. تکلیف دوم ناظر به مواردی است که در مهلت مذکور امکان صدور رأی فراهم نشود که در این صورت مرجع رسیدگی کننده مکلف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش نماید و منظور از مقام مافوق، مقام مافوق اداری است. تعارض و تراحم موجود بین رسیدگی توأم با سرعت در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز از یک سو و پیچیدگی‌ها و دشواری‌های کشف بزه قاچاق کالا و ارز سازمان یافته از دیگر سو سبب شده است که در عمل تعداد پرونده‌های قاچاق سازمان یافته بسیار کم باشد.

در عمل تعداد بسیار محدودی از پرونده‌های متشکله توسط دستگاه‌های کاشف عنوان سازمان یافته دارد و لیکن در این موارد نیز عمدتاً مراجع قضایی به لحاظ عدم تحقق عناصر مربوط، کثرت کار و... نظر بر غیرسازمان یافته بودن قاچاق داشته و با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال می‌دارند (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۳۲۶ و ۳۲۷؛ امیری و محمدیان، ۱۳۹۷: ۱۲۶). با توجه به حکم مقرر در قسمت اخیر تبصره ماده ۴۴ قانون، در این موارد شعب سازمان تعزیرات حکومتی مکلف به رسیدگی می‌باشند و حق اختلاف در صلاحیت با مراجع قضایی را ندارند و نتیجه آن می‌شود که چه بسا رسیدگی به قاچاق سازمان یافته در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی قرار گیرد و در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که در این موارد تکلیف شعبه تعزیرات حکومتی در مواجهه با پرونده قاچاق سازمان یافته چیست؟ در این خصوص نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۴۷۸۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۵ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی بر این است که «... بر اساس قاعده اذن در شیء مستلزم اذن در لوازم آن است، در مواردی که قانون گذار از مقررات صلاحیت ذاتی عدول نموده است، اعطاء صلاحیت مستلزم تجویز اختیارات آن نیز می‌باشد و در صورتی که پس از انجام تحقیقات و رسیدگی توسط شعبه تعزیرات حکومتی اتهام منتسب به متهم، مستلزم حبس باشد این امر نافی صلاحیت شعبه تعزیرات حکومتی نبوده و با توجه به این که مجازات مقرر قانونی قابل تجزیه نمی‌باشد در پرونده‌های مستلزم مجازات حبس، مرجع رسیدگی کننده نمی‌تواند از اعمال مجازات حبس چشم‌پوشی نماید.» (دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی، ۱۳۹۷: ۱۲۳) این نظریه از جهت اعطای امکان صدور مجازات حبس و به صورت کلی امکان رسیدگی شعب تعزیرات به مصادیق جرم قاچاق کالا و ارز (و از جمله قاچاق سازمان یافته) متعاقب قرار عدم صلاحیت صادره از مراجع قضایی می‌تواند محل نقد جدی باشد و در این موارد چه بسا بتوان تشخیص مراجع قضایی را برای شعب تعزیرات حکومتی لازم‌الاتباع دانست و در این

موارد شعب تعزیرات حکومتی می‌بایست بنا را بر غیرسازمان یافته بودن قاچاق گذاشته و بر این مبنا رأی صادر نمایند که البته نتیجه این دیدگاه نیز ممکن است نادیده‌انگاری وصف سازمان‌یافتگی قاچاق باشد.

۳-۳. ابهام در میزان جزای نقدی اشخاص مرتبط در قاچاق سازمان یافته

ماهیت رفتارهای ارتكابی توسط اعضای گروه سازمان یافته ممکن است به صورت مشارکت و یا معاونت در ارتكاب بزه قاچاق کالا و ارز باشد. نکته مهمی که در خصوص مجازات مرتکبین قاچاق سازمان یافته وجود دارد آن است که با توجه به ظاهر مواد ۲۸ و ۲۹ قانون، در صورت تشکیل گروه مجرمانه، صرف نظر از نقش هر یک از مرتکبین (مشارکت و یا معاونت) هر یک بر اساس مجازات‌های مقرر در این مواد محکوم می‌شوند و لیکن نکته مهمی که وجود دارد در خصوص میزان جزای نقدی هر یک از اعضای گروه سازمان یافته می‌باشد؟ به موجب مواد ۲۸ و ۲۹ قانون، مرتکب قاچاق سازمان یافته حسب مورد به جزای نقدی مقرر در مواد ۱۸ و ۲۲ نیز محکوم می‌شود و ظاهر این مواد بر این است که هر یک از مرتکبین صرف نظر از نقش آن‌ها در قاچاق سازمان یافته به جزای نقدی مقرر محکوم می‌شود. نتیجه این برداشت آن است که در عمل هر یک از مرتکبین بر اساس ارزش کل کالا و ارز موضوع قاچاق محکوم شوند که با توجه به امکان تبدیل جزای نقدی به حبس حداکثر تا ۱۵ سال می‌تواند زمینه اعمال مجازات‌های نامتناسب را فراهم نماید.

به موجب ماده ۶۶ قانون در بحث جزای نقدی مقرر برای مشارکت در بزه قاچاق، مرجع رسیدگی کننده سهم هر یک را شرکا را از کل جزای نقدی تعیین و به پرداخت آن محکوم می‌نماید. هر چند مقرر اخیر نیز دارای ابهامات بسیاری است ولی اجمالاً نظر به تسهیم جزای نقدی نسبی مقرر بین شرکا دارد. شاید بتوان این سیاست را در خصوص قاچاق سازمان یافته نیز اتخاذ نمود و آن دسته از اعضای گروه سازمان یافته که نقش‌شان در قالب شرکت باشد را بر اساس ماده ۶۶ به جزای نقدی محکوم نمود که البته در این حالت دیگر امکان اعمال جزای نقدی در خصوص اعضای که نقش معاونت را ایفا نموده‌اند وجود نخواهد داشت.

نتیجه

با توجه به شیوع گسترده قاچاق کالا و ارز در کشور و مقایسه حجم قاچاق ارتكابی با میزان صادرات و واردات قانونی کالا و آثار اقتصادی و غیراقتصادی سوء این پدیده، تردیدی در ضرورت مقابله افتراقی با این بزه به عنوان یک بزه اقتصادی وجود ندارد و لیکن ارتكاب این بزه به شیوه سازمان یافته می‌تواند بر دامنه این آسیب‌ها بیافزاید. آمیختگی قاچاق سازمان یافته با جرایم دیگر نظیر جرایم مرتبط با فساد اداری (مانند رشاء و ارتشاء) و جرایم مالی (مانند پولشویی) ضرورت

پاسخ‌دهی افتراقی به این جرم را مضاعف می‌نماید. در این راستا قانون‌گذار برای نخستین بار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مفهوم قاچاق سازمان‌یافته را وارد ادبیات تقنینی ایران نمود و به موجب بند س ماده ۱ قانون مذکور آن را تعریف نمود.

هرچند قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با پیش‌بینی سازوکارهای افتراقی در حوزه سیاست کیفری شکلی و ماهوی سعی در متناسب‌سازی سیاست کیفری با ماهیت قاچاق سازمان‌یافته داشته است و لیکن در عمل این سیاست کیفری تقنینی چندان در عرصه سیاست کیفری اجرایی و قضایی نمود نداشته است. آنچه از برآورد حدود ۱۲ الی ۲۵ میلیارد دلاری قاچاق در سال‌های اخیر در کشور برمی‌آید این است که حداقل بخش قابل‌توجهی از این قاچاق به نحو سازمان‌یافته واقع می‌شود و چه بسا مصادیقی مانند قاچاق کولبری و ته‌لنجی که به ظاهر به صورت انفرادی توسط مرزنیسان صورت می‌گیرد، در واقع بخشی از یک فرایند پیچیده باشد که در آن مرزنیسان اجیر گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق باشند و این در حالی است که در عمل تشکیل پرونده و رسیدگی به آن تحت عنوان قاچاق سازمان‌یافته بسیار به ندرت رخ می‌دهد. این امر ریشه در عوامل متعددی چون عدم تبیین درست مفهوم قاچاق سازمان‌یافته برای دستگاه‌های کاشف و مراجع رسیدگی‌کننده، عدم تبیین کافی قرائن موجب ظن ارتکاب قاچاق سازمان‌یافته در قانون، عدم اهتمام دستگاه‌های کاشف و مراجع رسیدگی‌کننده برای شناسایی ابعاد پنهان پرونده‌های قاچاق و شتاب‌زدگی مراجع رسیدگی‌کننده در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق به جهت محدودیت‌های زمانی مقرر در قانون می‌باشد. علاوه بر مشکلات مذکور، وجود ابهامات متعدد در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز بر ناکارآمدی سیاست کیفری مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا و ارز افزوده است. در این راستا ضرورت اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بالاخص در مواردی مانند رفع ابهام از قلمرو مفهومی قاچاق کالا و ارز و شمول آن بر رفتارهایی مانند حمل، نگهداری، عرضه و فروش و...، حدود نقش‌آفرینی وزارت اطلاعات در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته، نحوه تعیین جزای نقدی مرتکبین در قاچاق سازمان‌یافته و... وجود دارد.

منابع

فارسی

- اجتهادی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۶)، بزبانگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز: مبانی و جلوه‌ها، رساله دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- الهام، غلامحسین و دیگران (۱۳۹۳)، «چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۸.
- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۳)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، ج دوم، چ دوم، تهران: میزان.
- امیری، مهدی و مریم محمدیان (۱۳۹۷)، «جرایم سازمان‌یافته در مناطق آزاد تجاری»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۴۲.
- باوی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۸)، «ساختار مقابله کیفری - پلیسی با جرایم سازمان‌یافته اقتصادی» (بر مبنای اهمیت دانش اطلاعات)، فصلنامه کارآگاه، شماره ۴۷.
- بهره‌مند بگ‌نظر، حمید (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، چ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۶)، «جرایم سازمان‌یافته و چالش‌های آینده»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۵.
- توجیهی، عبدالعلی (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چ چهارم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ثالث موید، احمدعلی و دیگران (۱۳۹۷)، «مبانی مسئولیت کیفری در جرم قاچاق سازمان‌یافته مبتنی بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۴۳.
- ثروتی بی‌نیاز، مرتضی و فریدون جعفری (۱۳۹۹)، «بررسی صلاحیت رسیدگی به بزه قاچاق ارز در حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۳.
- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۸)، شرحی فشرده بر کنوانسیون پالرمو (مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی)، چ اول، تهران: شهر دانش.
- خالقی، ابوالفتح و سجاد اختری (۱۳۹۳)، «جهانی شدن حقوق کیفری در پرتو مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۲۹.
- خالقی، علی (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، ج دوم، چ سی‌وهشتم، تهران: شهر دانش.
- دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی (۱۳۹۷)، مجموعه نظریه‌های مشورتی دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی، چ دوم، تهران: میزان.
- رحمانی فرد، محسن (۱۳۹۷)، تحلیل سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز در پرتو سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، رساله دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه عدالت.
- رستمی غازی، امید (۱۳۹۹)، «پاسخ‌دهی به اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز»، دوماهنامه اقتصاد پنهان، شماره ۲۱.

- رضایی، محسن (۱۳۹۸)، «تحلیل جرم‌شناختی بحران آفرینی باندهای قاچاق کالا (با تأکید بر نقش پلیس)»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۴۶.
- رضایی، محسن و دیگران (۱۳۹۷)، «تبیین نقش تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، شماره ۴.
- رضایی، محسن و دیگران (۱۳۹۸)، «تبیین اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۱.
- رضوانی، سودابه و سیده وحیده دریانورد (۱۳۹۱)، «لزوم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا و ارز»، دوفصلنامه بررسی‌های حقوقی، شماره ۳.
- رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۶)، جرم سازمان‌یافته در: جمعی از نویسندگان، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چ اول، تهران، میزان.
- سلیمانی، حمید و دیگران (۱۳۹۶)، «تحلیل جرم سازمان‌یافته از دریچه فقه»، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۹.
- صفاری، علی و دیگران (۱۳۹۷)، بزه قاچاق کالا و ارز در مقررات موضوعه، چ اول، تهران: روزنامه رسمی.
- صفاری، علی و سیدعبدالمجید اجتهادی (۱۳۹۶)، «سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت‌محور»، فصلنامه پژوهش دانش اجتماعی، شماره ۲.
- فتحی، محمدجواد و فضل‌اله امیر حاجیلو (۱۳۹۷)، «جلوه‌های دادرسی افتراق قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)»، دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۲.
- کلاه مال همدانی، احمد (۱۳۹۶)، «پارادایم قاچاق سازمان‌یافته و حرفه‌ای کالا و ارز؛ پیشگیری و مقابله با آن»، فصلنامه اقتصاد پنهان، شماره‌های ۴ و ۵.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۴)، جرم سازمان‌یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، چ اول، تهران: دادگستر.
- مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چ اول، تهران: میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین و محمدرضا عدومی‌زاده (۱۳۹۷)، «قاچاق سازمان‌یافته کالا در حقوق کیفری ایران»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوقی گواه، شماره ۷.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین و دیگران (۱۳۷۹)، «جرم سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴.

انگلیسی

- Paoli, Letizia & Tom Vander Beken (2014), Organized crime: A Contested Concept in: The Oxford handbook of organized crim, Oxford University Press.